

ترک جلسه سخنرانی حدادعادل توسط حاضران اخلاقی است که بزرگترها به جامعه آورده اند

روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: در مراسم بدرقه پیکر دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، حاضرین در اعتراض به سخنرانی آقای... [حداد عادل] سالن را ترک کردند و پس از پایان سخنرانی او مجدداً وارد سالن شدند.

به گزارش سایت خبری پرسون، این مراسم روز دوشنبه در تالار اجتماعات روزنامه اطلاعات برگزار شده بود و البته اینطور نبود که همه‌ی حاضران سالن را ترک کرده باشند ولی تعداد آنها قابل توجه بود. این نکته هم کاملاً روشن است که علت ترک جلسه، اعتراضی بود که ترک‌کنندگان به آن سخنران خاص داشتند.

قطعاً نمی‌توان رسیدن جامعه ایرانی به این نقطه از نقار و اختلاف را که سخنرانی یک نفر باعث اعتراض عده‌ای شود بطوری که جلسه را ترک کنند، امری پسندیده دانست. هیچ ایرانی وطن‌دوست و اخلاقمداری با مشاهده چنین وضعیتی خوشحال نمی‌شود. ما ایرانی می‌خواهیم پر از صفا و صمیمیت که آحاد مردم آن به همدیگر علاقمند باشند و حرمت‌گذاری به همگان را وظیفه اخلاقی خود بدانند. رسیدن به این نقطه از اخلاقمداری نیازمند پای‌بندی نشان دادن افراد کهنسال به مبانی اخلاقی در تمام زمینه‌هاست.

آنها اگر در رفتار و گفتارشان این را به اثبات برسانند که الگوی احترام به دیگران و رعایت حقوق آحاد مردم هستند، قطعاً بقیه مردم اولاً اخلاقی عمل کردن را از آنها یاد خواهند گرفت و ثانیاً هرگز به خود اجازه نخواهند داد حرمت کسی را زیر پا بگذارند.

وقتی بزرگ‌ترهائی که سنی از آنها گذشته بعد از ده‌ها سال تصدی انواع مسئولیت‌ها باز هم سرپیری و در سن حدود ۸۰ سالگی هوس می‌کنند تصمیم بگیرند مجلس شورای اسلامی چه ترکیبی داشته باشد، دولت از چه کسانی تشکیل شود، سیاست کشور به کدام طرف برود، زبان فارسی چه مسیری را طی کند، آموزش و پرورش را چه کسی مدیریت کند، احزاب از کدام خط‌مشی پیروی کنند، شعراً چگونه شعری بسرایند، نویسندگان چه بنویسند و چه ننویسند، مردم چه سبکی را برای زندگی خود انتخاب کنند، چه کسی برای نمایندگی مجلس کاندیدا بشود، نام چه کسی در لیستی که می‌خواهیم به مجلس راه پیدا می‌کند گذاشته شود و نام چه کسی گذاشته نشود و دانشگاه به کدام سو برود، سیاست خارجی چگونه باشد و... مردم از اینهمه دخالت و این اشتباه‌های سیری‌ناپذیر خسته و کلافه می‌شوند.

در برابر چنین افرادی نمی‌توان از مردم انتظار داشت به اخلاقمداری پای‌بندی نشان بدهند و حرمت‌ها را نگه‌دارند. کدام پدربزرگی را می‌شناسید که به نوه‌هایش تشر بزند، به جای آنها نظر بدهد، از سیر تا پیاز زندگی آنها را کنترل بکند و به آنها اجازه ندهد درباره سرنوشت خودشان تصمیم بگیرند و در عین حال از آنها انتظار داشته باشد به او عشق بورزند و حرمتش را نگه‌دارند؟

با داشتن چنین پدربزرگ‌هائی طبیعی است که همه با صراحت بگویند ملت ایران پدربزرگ نمی‌خواهد. معلوم نیست چه وقت قرار است به نسل جدید فرصت میدان‌داری و انتخاب داده شود. در این بیماری چسبیدن به قدرت و دخالت در امور مختلف جامعه، فرقی میان این جناح و آن جناح وجود ندارد.

هر دو جناح از لزوم جوان‌گرایی سخن می‌گویند ولی وقتی قانون بازنشستگی مطرح می‌شود ده‌ها تبصره به آن می‌زنند تا خودشان و افراد مورد نظرشان بتوانند حتی اگر عمر نوح داشته باشند نیز بر صندلی قدرت تکیه بزنند.

بعضی از این حضرات که بحمدالله «ابوالمشاغل» هستند و بعد از دیدن نوه‌ها قصد دارند تا زمان دیدن نتیجه‌ها و نبیره‌هایشان هم قدرت را رها نکنند و برای آینده کشور تصمیم بگیرند.

یاد امام خمینی به خیر که در برابر انحصارگرایی که با ترفندهای مختلف قصد کنار زدن مردم را در انتخابات داشتند با یادآوری دوران قبل از انقلاب با صراحت گفت: «آن وقت شیطنت این بود که سیاست از مذهب خارج است و بسیار ضربه به ما زدند... این مطلب شکست خورد، حالا می‌گویند سیاست حق مجتهدین است یعنی در امور سیاسی در ایران پانصد نفر دخالت کنند باقی‌شان بروند سراغ کارشان. یعنی مردم بروند سراغ کارشان هیچ کاری به مسائل اجتماعی نداشته باشند و چند نفر پیرمرد ملا بیایند دخالت بکنند. این، از آن توطئه سابق بدتر است برای ایران...» صحیفه امام، جلد ۸، صفحه ۳۶۸.

امام خمینی با این قبیل موضعگیری‌ها، دخالت‌های قیم‌آبانه پدربزرگ‌ها در سرنوشت مردم را متوقف و اقشار مختلف مردم را به تصمیم‌گیری درباره سرنوشت خودشان تشویق کردند. امروز هم شاهد همان دخالت‌های قیم‌آبانه هستیم، واقعه‌ای که برای آینده کشور و نظام جمهوری اسلامی خطرناک است. مردم اگر در جایی واکنش منفی نشان می‌دهند، به انحصارطلبی‌ها، زیاده خواهی‌ها، دخالت در سرنوشت کشور و قیم‌آبی‌ها اعتراض دارند. اگر دست از این دخالت‌ها برندارید، این پیام را با صدای بلندتر خواهید شنید که ملت ایران پدربزرگ نمی‌خواهد.